

مژده به اداره های دولتی، مؤسسه های داخلی و خارجی!

تا اکنون کارمندانی که تنخواه ماهانه شان را از طریق عزیزی بانک دریافت کرده اند، از ما خوشنود استند؛ چون عزیزی بانک به «سرعت و دقت» تأکید دارد. شما هم می توانید در عزیزی بانک برای کارمندان تان «حساب معاش» ایجاد کنید و از خدمات رایگان ماشین های اتومات صرافی ما بهره مند شوید.



عزیزی بانک، بانک مورد اعتماد همه



www.azizibank.af

1515

یادداشت روز

پاکستان؛ حامی و قربانی تروریسم

در روزهای گذشته پاکستان آماج حملات تروریستی خونباری بوده است. حمله ای انتحاری در لاهور که منجر به کشته شدن دست کم ۱۳ نفر شد و دو حمله ای دیگر در نقاط مرزی که جان پنج نفر را گرفت و سرانجام حمله ای خونین به زیارتگاه شهباز قلندر در ایالت سند پاکستان که سبب شده است مرگ کمتر از ۸۰ نفر در ساعات اولیه پس از رویداد تأیید شود؛ همگی نشانه های آشکار این وضعیت اند.

در هر کشوری غیر از پاکستان، هر نوع حمله ای تروریستی معنای ساده ای دارد: آن شهر یا کشور آماج حملات تروریستی انتقام جویانه و یا تبلیغاتی است. هدفی که در کل شبکه های تروریستی در برابر دشمنان شان آن را دنبال می کنند. ایجاد جو رعب و وحشت، سامان دادن تبلیغات و پروپاگاندایی که ناظر بر قدرت و توانایی آنها برای اعمال نفوذ و انجام حملات وحشیانه است و سرانجام تحت فشار گذاشتن دولت ها در برابر افکار عمومی؛ رئیس این اهداف را شکل می دهند. اما در مورد پاکستان این گونه نیست؛ چه این که دولت پاکستان در طی سالیان اخیر، همواره به عنوان یکی از حامیان اصلی شبکه های تندرو اسلامی شناخته شده و در نتیجه به ویژه در افغانستان همواره به عنوان کشور حامی ترور و دولتی که کنترل شبکه های تروریستی را در دست دارد، معرفی شده است. از این جهت، حملات خونین اخیر در پاکستان با دو لایه از واکنش متفاوت همراه است: اول؛ واکنش غالب این است که پاکستان قربانی ماری است...

ادامه در صفحه ۲

آوار خشم در کابل؛ حملات تروریستی در سند



صفحه ۲

در باب سیاست اخلاقی

این که گفته شود سیاست عرصه ای برای به کار بستن آموزه های اخلاقی نیست، مشکلی را حل نمی کند. زیرا کمی بیشتر از آن که نامفهوم باشد، گمراه کننده است. به این معنا که با این گفتار، سیاست تبدیل به حوزه تکفاده ای می شود که کاری به کار اخلاق ندارد. اما آیا واقعا چنین است؟ یعنی نمی توان انتظار داشت که فرد یا کارگزاری سیاسی، در عملی که در حوزه سیاست انجام می دهد، وجه اخلاقی آن عمل را نیز مدنظر بگیرد؟ در این موقعیت، بهتر است تعریف اخلاق نیز روشن تر...

صفحه ۵

سیاست و قبرستان

سیاست جاری و روایت ماضی یا به تعبیری سیاست و قبرستان رابطه ای نزدیک و وثیقی با هم دارد. اما این رابطه به زعم برخی، امری تازه ای نیست و در عین حال در نفس امر مذمومیت نیز ندارد. در حقیقت این رابطه میان امروز و دیروز است و بخشی از دینامیزم تاریخی تحول و تغییر که در ترمینالوژی دینی بیشتر به سنت تاریخ تعبیر می شود. هر ملت و دولتی در مسیر رشد و شکوفایی تابع روند این دینامیزم تاریخی است و جبر تاریخی بی فراتر از آن بر نظام تکامل اجتماعی حاکم...

صفحه ۴

با افغان بیسیم میلیونر شوید!

1 جایزه بزرگ

1,000,000

افغانی

با مصرف نمودن 60 افغانی و یا بیشتر از آن در هر هفته چانس برنده شدن را بدست آورید!

با مصرف نمودن کریدت بیشتر، چانس برنده شدن شما بیشتر میگردد! برنده گان جوایز فقط از طریق شماره 152 مطلع خواهند شد و افغان بیسیم هیچ وقت در بدل جایزه تقاضای پول و یا کریدت نمی کند.



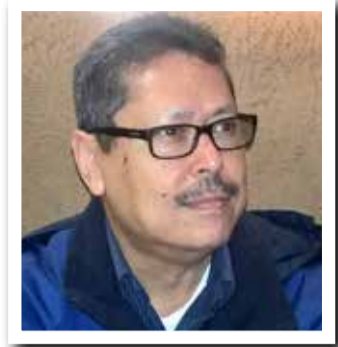
این پیشکش الی 10 فور 1396 ادامه دارد.

راجستر سیمکارت حتمی است. مشتریانی این جوایز را بدست آورده میتوانند که سیمکارت به اسم خودشان ثبت باشد.



ارتباط دهنده افغانستان
Connecting Afghanistan

فروپاشی



مترجم: غفار صفا

بخش چهارم ■ جارد دایموند

پنج نکته بنیادین

این بود جدل برسر چگونگی فروپاشی‌های محیط‌زیستی در گذشته. البته درست نیست که بگویم تمام جوامع به‌علت خرابی محیط زیست فروپاشیده‌اند: در گذشته برخی از جوامع با چنین وضعیتی روبه‌رو شدند در حالی که برخی دیگر نشدند. پرسش اصلی این است که چرا برخی از جوامع شکننده ثابت شده‌اند و چه چیزی آن‌ها را از جوامعی که سقوط نکرده‌اند متمایز می‌سازد. برخی از جوامع که من درباره‌ی‌شان بحث خواهم کرد، مانند ایسلندی‌ها و تیکوین‌ها که دشوارترین مشکلات محیط‌زیستی خود را حل کردند و برای مدت طولانی مقاومت نمودند، امروزه نیرومندتر می‌شوند. به‌گونه‌ی مثال، در آغاز وقتی استعمارگران نارویژی ایسلند با محیطی روبه‌رو شدند که ظاهراً مشابه ناروی اما در واقع بسیار متفاوت از آن کشور بود، سهواً قسمت اعظم سطح خاک و جنگلات ایسلند را تخریب نمودند که این سرزمین برای مدت طولانی به یکی از فقیرترین و به‌لحاظ محیط‌زیستی آسیب‌دیده‌ترین کشورهای اروپایی تبدیل شده بود. تا اینکه سرانجام ایسلندی‌ها از تجارب خود آموختند و اقدامات بسیار جدی و سختگیرانه‌ی را برای حفظ محیط زیست در دست اجرا قرار دادند و امروزه ایسلند یکی از کشورهای دارای بالاترین میزان درآمد سرانه در جهان است. ساکنان جزیره‌ی تیکویا، جزیره‌ی باریکی به‌دور از هر همسایه‌ی خود مجبور بوده است تقریباً در همه‌ی زمین‌ها خود کفا باشد، برای استفاده از منابع خود محدودیت وضع کردند؛ میزان جمعیت خود را به‌گونه‌ی محتاطانه‌ی کنترل نمودند. از این‌رو این جزیره از زمان نخستین اشغال انسانی در ۳۰۰۰ سال پیش، هنوز فعال و پرثمر است. بنابراین، این کتاب شامل داستان‌های بی‌وقفه‌ی ناخوشایند فروپاشی‌ها نه بلکه شامل داستان پیروزی‌های الهام‌بخش تقلیدشونده و خوشبینانه نیز است. علاوه‌تأ، من هیچ موردی را نمی‌شناسم که در آن فروپاشی یک جامعه تنها معطوف به آسیب‌های محیط‌زیستی باشد. همیشه عوامل دخیل دیگری نیز وجود داشته‌اند. من وقتی طرح این کتاب را می‌ریختم، به عوارض و پیچیدگی‌های دیگر توجه نداشتم و ساده‌لوحانه فکر می‌کردم که این کتاب تنها بایستی در مورد آسیب‌های محیط زیست باشد. سرانجام به یک چارچوب اساسی پنج نکته‌ی عوامل مؤثر ممکن که آن را در زمینه‌ی فروپاشی محیط‌زیستی دخیل می‌دانم، رسیدم. چهار تای این دسته عوامل آسیب‌های محیط‌زیستی، تغییرات اقلیمی، همسایه‌های دشمن، و شرکای تجارت‌دوستانه - شاید برای یک جامعه‌ی خاص مهم ثابت شده یا نشده باشد. دسته‌ی پنجم عوامل - پاسخ جامعه به مشکلات محیط‌زیستی - همیشه دارای اهمیت ثابت شده است. بگذارید این پنج دسته از عوامل را یک‌به‌یک ارزیابی کنیم، نه به ترتیب تقدم یا تاخر قایل شدن به عامل، بلکه به‌منظور تسهیل و ادامه‌ی بحث.

دسته‌ی نخست عوامل شامل آسیب‌هایی است که مردم به‌گونه‌ی غیرعمدی بر محیط زیست خود تحمیل می‌کنند. چنانچه درباره‌ی آن بحث شد. مقیاس و برگشت‌ناپذیری (احیای دوباره) آسیب‌ها قسماً مربوط است به ویژه‌گی رفتار مردم (مثلاً، چه تعداد از درختان در یک هکتار زمین را طی یکسال قطع کرده‌اند) و قسماً هم مربوط می‌شود به ویژه‌گی‌های محیط زیست (مثلاً: چه تعداد نهال در یک هکتار زمین جوانه می‌زند و طی یکسال این نهال‌ها به چه سرعتی رشد می‌کنند؟) این ویژه‌گی‌های طبیعی، یا معطوف

به شکننده‌گی (مستعد به آسیب‌پذیری) اند و یا مقاومت (قابلیت بازسازی یا احیای دوباره) و می‌توان به‌طور جداگانه درباره‌ی شکننده‌گی و یا مقاومت جنگلات، خاک، تعداد ماهی‌ها و غیره در یک ساحه صحبت کرد. بنابراین، دلایل فروپاشی یک جامعه‌ی خاص اصولاً می‌تواند شامل بی‌مبالاتی استثنایی مردم آن جامعه یا برخی از جنبه‌های استثنایی آسیب‌پذیری محیط زیست و یا هم هر دو باشد.

ارزیابی بعدی در چارچوب پنج نکته‌ی عبارت از تغییرات اقلیمی است، مفهومی که امروزه مایلم آن را مربوط گرمایش زمین «گلوبل وارمنگ» بر ساخته‌ی دست انسان بدانیم. در واقع اقلیم می‌تواند از یک ماه تا ماه دیگر و از یکسال تا سال دیگر در اثر فشارهای طبیعی خارج از اراده‌ی انسان، سردتر یا گرم‌تر و یا مرطوب‌تر و خشک‌تر شود. مثال‌هایی از این دست، به‌شمول تغییر درجه‌ی حرارت عبارت‌اند از: آفتاب، فوران آتش‌فشان‌ها که فضا را آلوده می‌سازند و تغییر در محور حرکت زمین با توجه به مدار آن و تغییر درگسترش خشکه و دریا در سطح زمین. اغلباً آنچه درباره‌ی تغییرات اقلیمی بحث شد شامل پیشرفت و پسرفت صفحات یخ در عصر یخبندان که دو میلیون سال پیش آغاز شده بود و به‌نام عصر یخبندان کوچک یاد می‌شود - از ۱۴۰۰ تا ۱۸۰۰ پس از میلاد - و سرد شدن زمین پس از وقوع آتش‌فشان معروف کوه تامبورای اندونزی در ۵ اپریل ۱۸۱۰ نیز می‌شود. این آتش‌فشان کثافات زیادی را در لایه‌های بالایی اتموسفر زمین پخش نمود که باعث کاهش میزان تابش اشعه‌ی خورشید تا فرونشستن آن شد. این وضعیت به‌خاطر درجه‌ی سرد آن باعث قحطی سراسری حتا در امریکای شمالی و اروپا و از بین رفتن محصولات تابستان سال ۱۸۱۶ شد. («سال بدون تابستان»).

برای جامعه‌ی در گذشته که دارای طول عمر کوتاه انسانی بوده و اینکه چیزی درباره‌اش نوشته نشده، تغییرات اقلیمی حتا فراتر از یک مشکل است. زیرا تغییرات اقلیمی در بسیاری از نقاط جهان تنها سال‌به‌سال نه، بلکه چندین دهه را نیز در برمی‌گیرد، مثلاً: چند دهه اقلیم مرطوب به تعقیب یک‌ونیم سده‌ی خشکسالی می‌آید. در بسیاری از جوامع پیش از تاریخ میانگین عمر نسل انسانی فقط چند دهه بود (میانگین شماری سال‌های بین تولد والدین و فرزندان‌شان). بنابراین، افرادی که در اواخر یک رشته‌دهه‌های مرطوب زندگی می‌کنند، خاطره‌ی دست‌اول از خشکسالی‌های گذشته را با خود ندارند. حتا امروز این تمایل وجود دارد که در سال‌های خوب میزان تولید جمعیت را بالا می‌برند. فراموش می‌کنند (و یا در گذشته نمی‌توانستند درک کنند) که یک چنین دهه‌هایی دوام‌دار نیستند. وقتی سال‌های خوب به پایان رسید، جامعه خود را از یک طرف با جمعیت بیشتر روبه‌رو می‌بیند، بیشتر از آنچه که بتوانند حمایت شوند، از جانب دیگر با هنجارهای نامناسبی که طی آن سال‌ها ریشه گرفته است (خشکسالی‌های امروز ایالت‌های غربی امریکا و سیاست‌های شهری و روستایی استفاده‌ی بی‌رویه از آب را که اغلباً در مطابقت با ذهنیت‌های معمول دهه‌های مرطوب مطرح گردیده در نظر بگیرید). نبود میکانیزم «امدادسانی» را در جوامع گذشته برای تدارک یا تهیه‌ی مازاد مواد غذایی از سایر مناطق دارای اقلیم متفاوت برای ساحتی که کمبود مواد غذایی در آن‌ها رو به گسترش بود با تغییرات اقلیمی اضافه کنید. همه‌ی این ملاحظات جوامع گذشته را در معرض افزایش خطرناشی از تغییرات اقلیمی قرار داده بود.

تغییرات طبیعی اقلیمی می‌تواند هر یک از جوامع انسانی را در وضعیت بهتر یا بدتر قرار دهد. می‌تواند برای یک جامعه مفید واقع شود و برعکس جامعه‌ی دیگری را آسیب برساند. (مثلاً: عصر یخبندان کوچک برای نارس گرینلند بد بود اما برای اینویت گرینلند خوب). در بسیاری از موارد تاریخی وقتی جامعه‌ی منابع محیط زیست خود را تمام کرد تا آن‌گاه که اقلیم خوب است در برابر اوقات طبیعی می‌تواند مقاومت کند. اما با خشکسالی، سردی بیشتر، گرمای بیشتر، رطوبت بیشتر یا تغییرات دیگر اقلیمی، این جامعه در آستانه‌ی فروپاشی قرار می‌گیرد. چه می‌توان گفت، آیا این فروپاشی در اثر آسیب‌رسانی انسانی بر محیط زیست صورت گرفته یا تغییرات اقلیمی؟ هر یک از این گزینه‌های ساده می‌توانند درست باشند. اگر جامعه‌ی منابع محیط‌زیستی خود را قسماً تمام نمی‌کرد، امکان آن وجود داشت که آن جامعه در برابر تغییرات اقلیمی بهتر مقاومت کند و از خطر نابودی در امان باشد. برخلاف، می‌توانست تا زمانی که تغییرات اقلیمی تخلیه‌ی منابع بیشتری را به‌بار می‌آورد، منابعی را که خود تخلیه نموده یا کاهش داده بود، نجات دهد. هیچ‌یک از اینها یگانه عامل شناخته نمی‌شوند، اما آمیزه‌ی از تاثیرات محیط زیست و تغییرات اقلیمی می‌تواند مهلک باشد.

سومین ملاحظه، همسایه‌های متخاصم است. گرچه همه‌ی جوامع تاریخی، اما چند تای‌شان مخصوصاً به‌قدر کافی از لحاظ جغرافیایی با سایر جوامع نزدیک بوده یا حداقل با آنان دارای روابطی بوده‌اند. رابطه‌ی جوامع همسایه احتمالاً به‌گونه‌ی متناوب یا دوام‌دار دشمنانه بوده است. یک جامعه تا زمانی که نیرومند است می‌تواند دشمنان خود را از خود دور نگهدارد اما وقتی به هر علتی به‌شمول آسیب‌های محیط زیست تضعیف شد، تسلیم می‌شود. عامل بلافاصله‌ی فروپاشی می‌تواند اشغال نظامی باشد، اما عامل اصلی - عاملی که تغییر آن باعث فروپاشی شد - فاکتوری است که باعث تضعیف جامعه شده بود. بنابراین، فروپاشی به‌دلایل محیط‌زیستی یا هر عامل دیگری چهره‌ی شکست نظامی را به‌خود می‌گیرد.

مهم‌ترین نمونه‌ی یک چنین چهره‌ی شکست نظامی به‌خود گرفتن، زوال امپراتوری روم غربی می‌تواند باشد. روم در حدود سال ۴۷۶ پس از میلاد یعنی سال سقوط آخرین امپراتور غربی، به‌گونه‌ی فزاینده‌ی با اشغالگری‌های بیگانگان (بربرها) در محاصره قرار گرفته بود. با آن‌که حتا پیش از ظهور امپراتوری روم نیز قبایل «بربر» در بخش‌های شمالی اروپا تا آسیای مرکزی، آن‌سوی مرزهای تمدن‌های مدیترانه‌ی اروپا، زندگی می‌کردند و هرازگاهی بر اروپای متمدن حمله‌ور می‌شدند (چنان‌که بر تمدن‌های چین و هند نیز حمله می‌کردند). رومی‌ها برای بیشتر از یک‌هزار سال بربرها را مؤفانده از خود دور نگهداشته بودند، مثلاً: کشتار شمار بزرگی از مهاجمین نیروهای کیمبری‌ها و تیتون‌ها در شمال ایتالیا در جنگ کمپی رودی سال ۱۰۱ پیش از میلاد.

سرانجام، این بربرها بودند که پیروز شدند نه رومی‌ها: علت اساسی این تغییر موقعیت چه بود؟ آیا این تغییر به‌دلیل تغییر در وضعیت خود بربرها بود، از جمله، ازدیاد شمارشان یا سازماندهی بهتر، دسترسی به اسلحه و اسب بیشتر، یا بهره‌برداری از تغییرات اقلیمی در ستیپ‌های آسیای مرکزی؟ در این صورت می‌توان گفت که عامل اصلی سقوط روم، بربرها بودند. و یا همان بربرهای قدیمی که تغییر نکرده بودند همیشه در مرزهای امپراتوری روم منتظر بودند و توانستند

پیروز شوند تا این‌که این امپراتوری در اثر ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاسی، محیط‌زیستی و سایر چالش‌ها تضعیف شد؟ در این صورت ما سقوط روم را در مشکلات خودش جست‌وجو می‌کنیم، همراه با کودتایی که بربرها انجام دادند. این پرسش‌ها برای بحث بیشتر می‌تواند ادامه یابند، پرسش‌هایی در مورد سقوط امپراتوری خمرها واقع در انکووات راجع به اشغالگری‌های همسایه‌ی تایلندی آن‌ها، فروپاشی تمدن هراپه در وادی سند و رابطه‌اش با اشغالگری‌های آریایی‌ها، و رابطه‌ی زوال شهر مسین یونان قدیم و سایر جوامع عصر برونز مدیترانه‌ی با تهاجمات مردمان دریایی.

دسته‌بندی چهارم عوامل، عبارت از بحث بیشتر درباره‌ی دسته‌بندی سوم است: کاهش حمایت از جانب همسایه‌های دوست، مساوی است با حملات همسایه‌های دشمن و مخصوصاً برخی از جوامع هم دارای همسایه‌های دوست و هم همسایه‌های دشمن بوده‌اند. غالباً شریک و دشمن همان یک همسایه است که رفتارهایش بین دوستی و دشمنی در نوسان است. بسیاری از جوامع تا حدودی به همسایه‌های دوست وابسته‌اند، چه واردات کالاهای اولیه‌ی تجارتي (واردات نفتی ایالات متحده و چوب و غذاهای دریایی جاپان) و چه وابستگی‌های فرهنگی که جامعه‌ی را وامدار می‌سازد (مانند هویت فرهنگی استرالیا که در سال‌های اخیر نیز از بریتانیا وارد شده). بنابراین، در صورت ضعف شرکای تجارتي امکان خطر افزایش می‌یابد (به‌شمول تخریب محیط زیست) و بیشتر از این نمی‌تواند واردات کالاهای اساسی به‌شمول رابطه‌های فرهنگی را تامین کند. در نتیجه جامعه‌ی شما نیز دچار رکود می‌گردد. تحریم نفتی سال ۱۹۷۳ نمونه‌ی روشنی است از مشکل وابستگی جهان اول به کشورهای جهان سوم که از لحاظ محیط زیست آسیب‌پذیر و در گیر چالش‌های سیاسی نیز هستند. در گذشته نیز مشکلاتی مشابه به آن برای نارس گرینلند، ساکنان جزایر پیتکرن و سایر جوامع اتفاق افتاده بود.

آخرین دسته از عوامل در چارچوب پنج نکته‌ی من دربرگیرنده‌ی این پرسش کلی در مورد واکنش‌های جوامع در برابر چالش‌هاست. صرف‌نظر از اینکه این چالش‌ها محیط‌زیستی‌اند یا نه، جوامع مختلف پاسخ‌های متفاوتی به چالش‌های مشابه می‌دهند. به‌گونه‌ی مثال در گذشته بسیاری از جوامع با مشکل قطع درختان جنگلی روبه‌رو شده‌اند. در میان این جوامع مردمان نیوگینه، جاپان، تیکویا و توتگاه، راهکارهای خوب و مؤفانده‌ی را برای مدیریت جنگلات خود در پیش گرفتند و به رفاه جامعه‌ی خود ادامه دادند، در حالی که مردمان جزیره‌ی فاستر، مانگاروا و نارس گرینلند در به‌کار بستن راهکاری مؤفانده ناکام بودند و در نتیجه فروپاشیدند. این پیامدهای متفاوت و متنوع را چگونه درک می‌کنیم؟ چگونگی پاسخ جوامع به ساختارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی و ارزش‌های فرهنگی‌شان بستگی دارد. این ساختارها و ارزش‌ها، چه یک جامعه این مشکل را حل کرده باشد، یا حتا اگر تلاش برای حل آن نموده باشد، تاثیر مستقیم دارد. در این کتاب، ما جوامعی را که فروپاشیده‌اند یا دوام آورده‌اند در چارچوب پنج نکته‌ی مورد ارزیابی قرار می‌دهیم.

باید علاوه کنیم، همان‌گونه که تغییرات اقلیمی، همسایه‌های نامطلوب و شرکای تجارت، ممکن است در فروپاشی جامعه‌ی خاصی سهم داشته باشد یا نداشته باشد، تخریب محیط‌زیستی نیز می‌تواند سهم داشته باشد یا نداشته باشد. این یک ادعای میان‌تهی خواهد بود اگر گفته شود که تخریب محیط‌زیستی عمده‌ترین عامل کلیه فروپاشی‌ها خواهد بود: فروپاشی اتحادشوروی نمونه‌ی از فروپاشی یک جامعه‌ی مدرن و سقوط کارتاژ توسط رومن‌ها در ۱۴۶ ق.م. نمونه‌ی از فروپاشی یک جامعه‌ی باستانی آن است. این یک واقعیت آشکار است که عوامل نظامی یا اقتصادی به‌تنهایی خود می‌توانند کافی باشند. بنابراین، یک عنوان کامل برای این کتاب می‌تواند چنین باشد «فروپاشی اجتماعی شامل یک مؤفده‌ی محیط‌زیستی و یا در مواردی آمیزه‌ی از تغییرات اقلیمی، همسایه‌های نامطلوب و شرکای تجارتي، همراه با واکنش‌های اجتماعی است». با آن‌هم این محدودیت، مواد فراوان مدرن و باستانی راجعت ارزیابی در اختیار می‌گذارد.

ادامه دارد...

سیاست و قبرستان

■ وفایی زاده



را تدبیر کنیم اما مهم است که حمله‌ها و لشکرکشی‌های خود به دهلی و مرو و اصفهان و خوارزم و... را بازخوانی و رجزخوانی کنیم. ما هنوز به‌جای کابل و پکتیا و خوست و لوگر، در پیشاور و سمرقند زندگی می‌کنیم و برای بخارا شعر رودکی می‌خوانیم و دهلی و لودیانه را بهتر از کابل شناسی بیدل می‌شناسیم.

در این تردیدی نیست که این‌ها بخشی از گذشته‌ی ماست و گسست تاریخی شکل گرفته نباید موجب گسست فکری در فهم گذشته این سرزمین شود. اما آنچه مهم است نوع فهم ما و مواجهه‌ی ما با این سلسله‌ی تاریخی و نتیجه‌گیری ما از آن برای آینده است. وقایعی در این سرزمین رویداده است که هنوز بر شانه‌های تاریخ سنگینی می‌کند. اما آیا ما حاضریم که این رویدادها را برای ملت شدن و عبور از گذشته و رقم زدن آینده متفاوت بازخوانی کنیم؟

اگر عبدالرحمان خان بانی وحدت ملی شناخته شود و بر قبر او قبه‌ی ساخته شود، واضح است که ما در امتداد فاجعه راه می‌رویم و پای بر خون هموطنانی می‌گذاریم که سر بریده شدند و از زنجیری عبور می‌کنیم که با آن دختران هموطن ما با دست‌پای بسته در بازارهای کابل و دهلی و کشمیر و پیشاور و قندهار به فروش رسیدند.

ما هنوز تاریخ پیچیده‌ی جنگ‌های گروهی دهه‌ی نود را از دید قومی می‌خوانیم. افشار و شمالی و یکاولنگ و دشت لیلی برای هر کدام ما غصه‌ی جداگانه است و نپذیرفته‌ایم که هر کجا بود، فاجعه بود. جنایت‌کار هنوز دیگران است و ما هر کدام در خود -حق‌پنداری خویش غرقیم. روایت مشترکی از فاجعه نداریم و مرز میان گذشته و آینده روشن نیست. گذشته‌ی قابل افتخار برای یکی و ترس‌آور برای دیگری، همیشه ممکن است تکرار شود، آن‌گونه که طالبان می‌خواستند که عبدالرحمان را تکرار کنند و مسعود در شمالی می‌گفت که اگر مبارزه نکنید داستان به‌خاک کشاندن شمالی را تکرار خواهند کرد و مزاری برای هزاره‌های از ارزگان می‌گفت و هراس از تکرار فاجعه‌ی ارزگان و اجیرستان و... ما آن‌قدر به گذشته برگشتیم که حتما جنایات مغول و تیمور لنگ را به پای هم گذاشتیم.

لذا است که هنوز مصلحتاً ملتیم و در فکر و ذهن پراکنده و آشفته‌ایم و فهم مشترک از درد مشترک خویش نداریم. گذشته برای ما قومی و سمتی و تکه‌تکه است و برای سیاسیون ما ابزاری برای نگهداشتن ما در همان گذشته و مسدود نمودن راه آینده. تا زمانی که که جرات مواجهه‌ی صریح و درست با گذشته‌ی تاریخی و همه‌ی تلخی‌های آن را نیابیم، همچنان اسیر گذشته خواهیم ماند و تنها رهبران سیاسی هرازگاهی برای تکان دادن ذهن‌های خسته‌ی ما، ما را در سالگرد تولد و وفات گذشتگان جمع خواهند کرد تا یادمان نرود که به‌جای آینده، گذشته‌ها و قبرها را در ذهن مان مرور کنیم.

گذشته‌گرایی و ماندن در تاریخ، فهم ما را آن‌گونه در خود پیچانده است که در زمانه‌ی رخوت سیاسی تنها یادآوری گذشته است که ما را تکان می‌دهد و برای رهبران سیاسی تحدید حیات می‌کند. رابطه‌ی ما با گذشته‌های قبرستانی بدترین و ویرانگرترین نوع آن است که فقط ما را در خود فرومی‌برد و از عبور از گردنه‌های دشوار باز می‌دارد. سیاست قبرستانی بدترین بلایی است که ممکن است یک ملت و یا یک نسل با آن مواجه شود. سیاست قبرستانی به همان میزان که تریاک‌گونه و ویرانگر است، گریزگاهی برای سیاست‌مداران است تا ناکارآمدی و ناکارایی‌شان را با ظاهر شدن بر قبری و قبرستانی و تجلیل از بزرگی پویشاندند و چندی عافیت از دهان خلائق پیدا کنند.

در پایان این که زمان آن است تا رابطه‌ی امروز و قبرستان را در سیاست خود به‌گونه‌ی سازنده تعریف کنیم و گذشته را برای ساختن فردا استخدام نموده و برای مواجهه‌ی معقول و منطقی با گذشته‌ی تلخ و تاریخی تلاش نماییم تا راه ما به‌سوی آینده‌ی روشن باز شود.

گروه‌ها و مجموعه‌های دارای هدف و برنامه‌ی استراتژیک، به‌آسانی قادر می‌شوند گذشته‌ی را که حامل بار ارزشی است به قوت زنده کنند و بر قدرت خویش بیفزایند و مسیر روشنی برای آینده‌شان ترسیم نمایند. در عین حال آنان می‌توانند به‌خوبی و زیبایی، تلخی گذشته را نیز متکایی برای شیرینی آینده بسازند و بر بام خمیده و افتاده‌ی دیروز بنیادی بلند و جدید برافزایند. اما گروه‌هایی که دید دورنگر ندارند و تنها پشت‌پای خود و جای پای قافله را می‌نگرند، چون برنامه‌ی ندارند و خلاقیت و ابتکار لازم برای بهره‌وری از داستان تلخ و شیرین گذشته در میان آنان نیست، لذا از مناسبت‌های قبرستانی مانند سالگرد و تجلیل برای ابراز وجود و تجدید حضور استفاده می‌کنند و تا مناسبت دیگر خاموش می‌شوند. فقدان برنامه حتی باعث می‌شود اینان در انتظار مرگی یا وقوع حادثه‌ی تکان‌دهنده‌ی بمانند تا بتوانند چند روزی را به بازار بیایند و بر این و آن بتازند و باز بخسپند. در افغانستان اما، بازاندیشی گذشته و نوع تعامل و رابطه با رفتگان و گذشته‌های تلخ و شیرین پیچیده‌تر از هر جای دیگر است. تاریخ این سرزمین پر است از افتخارات برساخته‌ی حاکمان و رنج و محنت‌ها و ستم‌های رفته بر مردم. هر ورق تاریخ افغانستان مدرن، از هم‌کشی هم‌کیشان و فروختن هموطنان مشحون است، آن‌چنان که در طول دهه‌ها جنگ‌های خانگی از این سرزمین خانه‌ی جنگ ساخته است.

و اما برای نسل امروز که گذشته‌ی سیاه و تلخی را پشت سر دارند و در فضایی پراشته‌ی نفس می‌کشند و نگران فردایند، نوع مواجهه با گذشته و تغییر جهت به‌سوی آینده متفاوت به همان اندازه که مهم است، دشوار و نفس‌گیر است. مشکل ما در این است که ما در گذشته متوقف شده‌ایم و تلخی‌های گذشته و تاریخ‌شده، در استخدام ما نیست تا آینده‌ی بهتر از آن بنا کنیم بلکه ما خود اسیر گذشته‌ایم و اراده‌ی برای عبور از آن نداریم. برای ما مهم نیست که امروز با زوال فرهنگی مواجه شویم اما مهم است که وجود و حضور و اثر و ثمر امیر کرور سوری را ثابت کنیم. برای ما مهم نیست که تعامل امروز خود با همسایگان

این شرم برای شکل‌گیری دولت اسرائیل انجام دهند. بازروایی هولوکاست برای مشروعیت دولت اسرائیل کافی بود و از این فرصت بنگوریون زیرکانه بهره جست و حتا مرد شماره‌یک علم در قرن بیستم، البرت انشتین، در محفل تشکیل دولت اسرائیل اشتراک نمود. اما در سوی دیگر، اعراب به‌جای تکیه بر این نوع روایت، به غرور عربی و خلافت اموی و فاطمی و عثمانی و از دست رفتن قبه‌ی اول و قبلی اسلام چسپیدند و غرور گذشته و حال عربی را بازخوانی کردند و در نتیجه در شش روز باختند و سرزمین‌های بیشتری از دست رفت و دولت عربی اسلامی فلسطین تا امروز تشکیل نشد و تازه فلسطینی‌ها به عضو ناظر بودن دل‌خوش می‌کنند. نه تیوری شرق‌گرایی ادوارد سعید در عمل ذهنیت حاکم بر جامعه‌ی سیاسی اروپا را تغییر داد و نه دستمال و جبهه‌ی چریکی یاسر عرفات. در نتیجه ناتوانی فلسطینی‌ها برای ترجمه نمودن همه‌ی این افتخارات اسلامی و عربی به برنامه‌ی عملی که مبنای محکمی برای حرکت مشترک شود و افکار عمومی را بسیج و اذهان عامه‌ی جهانی را جلب نماید، به حمیت عربی ناصر و پادشاه اردن و رییس‌جمهور سوریه چشم بست، کاری که تنها مظلومیت‌نمایی اسرائیل را بیشتر کرد و فرصت جدیدی برای یهودیان آفرید تا برای سال‌های دیگر هم ظلم کنند و هم نوحه بخوانند. اکنون بعد از دهه‌ها، قضیه چنان برعکس شده است که امروز برای فلسطین نوحه می‌خوانیم و اسرائیل را کنترل‌کننده‌ی تمام لابی‌های امریکایی و اروپایی می‌دانیم.

اهمیت قبرستان و گذشتگان و گذشته‌های قبرشده در سیاست این است که بتواند یا عبرتی شود برای جلوگیری از تکرار تاریخ و رقم زدن مسیر جدید و مبنای جدید و یا حامل ارزشی باشد که در طول خط زمان جاری شود و جریان آن تحریک‌آفرین و شورانگیز باشد. اما نوع و میزان استفاده از قبرستان و به‌صرف گرفتن گذشته و گذشتگان در میان جوامع و ملل و در میان احزاب و نهادهای اجتماعی و فکری به‌تبع میزان ظرفیت‌ها و خلاقیت و ابتکار و توان بسیج عمومی و توان ترجمه‌ی آن به برنامه‌ی عمل، متفاوت است.

سیاست جاری و روایت ماضی یا به تعبیری سیاست و قبرستان رابطه‌ی نزدیک و وثیقی با هم دارد. اما این رابطه به‌زعم برخی، امری تازه‌ی نیست و در عین حال در نفس امر مذمومیت نیز ندارد. در حقیقت این رابطه میان امروز و دیروز است و بخشی از دینامیزم تاریخی تحول و تغییر که در ترمینالوژی دینی بیشتر به سنت تاریخ تعبیر می‌شود. هر ملت و دولتی در مسیر رشد و شکوفایی تابع روند این دینامیزم تاریخی است و جبر تاریخی‌ی فراتر از آن بر نظام تکامل اجتماعی حاکم نیست. من بر خلاف نظر اسوالد اشپنگلر، معتقد به دورانی بودن تاریخ و مدنیت انسانی نیستم و باورم بر این است که مسیر تاریخ خطی است و در این مسیر، آن‌هایی که قاعده‌ی این دینامیزم را نمی‌دانند و از گذشته گسست بدون عبرت می‌کنند و جمع‌بندی تاریخی ندارند، ممکن است مجبور به تکرار مقطعی از تاریخ و از سر گرفتن مرحله‌ی شوند و اما آن‌هایی که گردنه‌های تاریخ را فرازی برای بازاندیشی و انداختن طرح نو ساخته‌اند، این مسیر را سریع‌تر و موفق‌تر از دیگران می‌پیمایند. به‌تعبیری دیگر، نوع دید ما به قبرستان و گذشته‌های قبر شده و توانایی استفهام و استنباط و جمع‌بندی تاریخی ما در تعیین مسیر آینده مهم است.

در طول تاریخ، روایت گذشته مبنای حرکت‌های جدید برای تغییر بوده است. اگر از نمونه‌های تاریخی دینی که به‌وفور وجود دارد و سال‌ها بر آن مخته و نوحه شده و در درون این نوحه و مخته ارزش‌های یک انقلاب یا یک حماسه نسل‌به‌نسل انتقال یافته و زنده مانده بگذریم، هولوکاست شاید بارزترین نمونه‌ی رابطه‌ی سیاست و قبرستان در قرن بیستم است. دیوید بنگوریون، موسس اسرائیل جدید با تکیه بر روایت هولوکاست و ستم‌های رفته بر یهودیان، کشور اسرائیل را تاسیس نمود تا جایگاه و پایگاهی برای همه‌ی یهودیان در معرض خطر در روی کره‌ی ارض ایجاد نماید. داستان وحشتناک هولوکاست، آن‌قدر اروپای خجالت‌زده و امریکای شرم‌منده از عمل دیروقت را زیر تاثیر قرار داده بود و بر افکار عمومی اثر گذاشته بود که همه حاضر بودند هر کمکی را برای ستردن

در باب سیاست اخلاقی

□ عمران راتب

این که گفته شود سیاست عرصه‌ی برای به‌کار بستن آموزه‌های اخلاقی نیست، مشکلی را حل نمی‌کند. زیرا کمی بیشتر از آن که نامفهوم باشد، گمراه‌کننده است. به این معنا که با این گفتار، سیاست تبدیل به حوزه‌ی تک‌افتاده‌ی می‌شود که کاری به کار اخلاق ندارد. اما آیا واقعاً چنین است؟ یعنی نمی‌توان انتظار داشت که فرد یا کارگزاری سیاسی، در عملی که در حوزه‌ی سیاست انجام می‌دهد، وجه اخلاقی آن عمل را نیز مدنظر بگیرد؟ در این موقعیت، بهتر است تعریف اخلاق نیز روشن‌تر گردد و دامنه‌ی شمول آن از مباحث صرفاً فردی و آنچه که اینک در حسن و قبح چگونگی نگاه و رابطه‌ی جنسی افراد با یکدیگر محدود گردیده، فراتر برود. مثلاً آیا نمی‌توان در عرصه‌ی سیاست، عملی سیاسی را این گونه مطرح کرد: «نباید این عمل طوری باشد که سیاست را تبدیل به یک دغلبازی و شیادی کند»؟ به نظر می‌رسد با حرکت از این منظر، بیشترین موقعیتی که اخلاق و چارچوبی که حسن و قبح اعمال را بنا بر معیارهای عام تعیین می‌کند، سیاست است. بدین لحاظ که خلاف مناسبت‌ها و رفتارهای فردی و خصوصی، چیزی که بیش از همه با سرنوشت جمعی ارتباط می‌گیرد و امکان این که نتیجه‌ی عملی نامناسب حیات اجتماعی و یا زندگی در حوزه‌ی عمومی را متأثر می‌سازد، عمل سیاسی است. هشدار می‌دهد که در ذات رفتارهای سیاسی نهفته است نیز از این جا منشاء می‌گیرد که این رفتارها، ممکن است به موقعیتی بینجامد که بیش از آن که رفتارگران آن‌ها از پیامد رفتارشان متأثر شوند، باعث تباهی عمومی گردند. بنابراین، عمل و کردار سیاسی، به لحاظ این که در هر لحظه ممکن است اخلاق در آن به تعلیق درآید، عمل و کرداری خطیر و تباهی‌آور است. دموکراتیک‌سازی قدرت سیاسی با ظاهر برجسته کردن فردیت و نقش افراد - که ممکن است از آن به رجعت پیامد کردارها صرفاً به خود شخص اجراکننده تعبیر گردد - در واقع کاری که می‌کند این است که قدرت سیاسی را با اخلاق - به معنای عدم امکان دست‌یازیدن به شیادی و بلاهت و اعمالی که تباهی عمومی را در پی دارد - همراه می‌سازد. یعنی در چنین موقعیتی، کارگزار سیاسی نه از این لحاظ که به این درک می‌رسد که «نباید» کاری کند که نتیجه‌ی آن زندگی دیگران را نابود می‌کند و نابودی زندگی دیگران کاری خلاف اخلاق است، بلکه از این لحاظ که در چارچوبی قرار می‌گیرد که انسان در آن به عنوان موجودی اخلاق‌مند تعریف گردیده و برایش دیگر حتماً فکر کردن در خصوص انجام دادن یا ندادن عمل ضد اخلاقی نامتصور است، از آن‌چه که سیاست را اخلاق‌زدایی می‌کند، می‌پرهیزد و یا بهتر است گفته شود پیشاپیش پرهیزکننده است.

اما اخلاق سیاسی، چگونه اخلاقی است؟ منظور این است که اخلاق سیاسی به واسطه‌ی چه چیزی تعریف و تعیین حد می‌گردد؟ آیا سیاست فی‌نفسه و به‌خودی‌خود اخلاق‌گرا است؟ ظاهراً به نظر نمی‌رسد این گونه باشد. سیاست نه از آن حیث که صورتی واحد و کارکردی متعین ندارد، بلکه از آن حیث که تعریف واحدی ندارد نمی‌تواند مقوله‌ی همزاد اخلاق در نظر گرفته شود. با این حساب، اخلاق را باید چیزی در بیرون از سیاست در نظر گرفت. اما این فرض، چالش چگونگی تشکیل سیاست اخلاقی و یا اختلاط سیاست و اخلاق را حل نمی‌کند. برای این که اخلاق، حوزه و یا حتا بسته‌ی متعین و مشخص - همچون سیاست و یا فلسفه - نیست که امکان ادغام افق‌های اخلاقی و سیاسی از این منظر فراهم آید. محض نمونه، نمی‌توان این جمله را جمله‌ی معنادار دانست که شخصی می‌گوید: «من کار سیاسی، فلسفی یا ادبی نمی‌کنم، بلکه کار اخلاقی می‌کنم». چون با این تقریر، اخلاق تبدیل به مفهومی فاقد مصداق و سوژه‌ی مبهم می‌گردد. لذا، راه دیگری که باقی می‌ماند، این است: اخلاق نه حوزه‌ی پردازش مستقلی است و نه اساساً برای کار سیاسی، یک هدف؛ بلکه اخلاق یک رویکرد است، رویکردی همچون دیگر رویکردهای سیاسی: حقه‌بازانه، عوام‌فریبانه و از این قبیل... از این رو، سیاست اخلاقی چیزی جز اخلاق سیاسی نیست. یعنی رفتار و عمل کردی در حوزه‌ی عمومی که نسبت آن با سرنوشت عمومی طوری تعیین می‌گردد که این سرنوشت عمومی از لغزیدن رفتار و عمل به حیظه‌ی که سرنوشت عمومی با پیامد و نتیجه‌ی آن به تباهی کشانده می‌شود

جلوگیری می‌کند. از این است که هنگامی که این وجه در نظر گرفته نشود و آن چیزی که رفتار را صورتی اخلاقی بخشیده بود دور انداخته شود، رفتار سیاسی اخلاق‌زدایی می‌گردد و یا اخلاق در رفتار سیاسی به تعلیق درمی‌آید. رویکرد اخلاقی به سیاست از منظر بررسی و تعیین حسن و قبح ذاتی اعمال و افعال نمی‌تواند چندان راهگشا باشد. برای این که سیاست فاقد ذات یا جوهره‌ی متعین و واحد است و تعیین این که رفتاری سیاسی به لحاظ ذاتی چگونه باید باشد، ناممکن است. لذا، حدگذاری اخلاقی رفتارهای سیاسی، تنها می‌تواند در نسبت آن رفتارها با مخاطبان و کسانی که در حوزه‌ی تأثر آن‌ها قرار می‌گیرند ممکن گردد. به این معنا که بسته به این که یک رفتار سیاسی چگونه اثر و نتیجه‌ی بر مخاطبان می‌گذارد می‌تواند نمونه و نمودی از چگونگی نسبت آن رفتار با اخلاق باشد و رویکردی عام سیاسی را به نمایش بگذارد. بر این مبنای، می‌توان کمابیش این گونه نتیجه گرفت: اخلاق بسته‌ی مجزا و مستقلی در حوزه‌ی مناسبت‌های عمومی نیست که رفتارگران سیاسی مجاز و مختارند آن را بگیرند و یا نگیرند، بلکه اخلاق سیاسی و سیاست اخلاقی رویکردی است که رفتارگران حوزه‌ی عمومی می‌توانند به واسطه‌ی آن با دیگران رابطه و نسبت برقرار کنند. در جامعه‌ی دموکراتیک اما، این رویکرد با یک الزام همراه است و کارکرد هنجاری دارد؛ این که افراد مجاز نیستند که به صورت دلخواهانه، رفتار سیاسی‌شان را با اخلاق همراه کنند یا از اخلاق جدا و متمایز و مخالف، بلکه آن‌ها نمی‌توانند سیاست اخلاقی را نپذیرند.

اما اخلاق سیاسی، چگونه اخلاقی است؟ منظور این است که اخلاق سیاسی به واسطه‌ی چه چیزی تعریف و تعیین حد می‌گردد؟ آیا سیاست فی‌نفسه و به‌خودی‌خود اخلاق‌گرا است؟ ظاهراً به نظر نمی‌رسد این گونه باشد. سیاست نه از آن حیث که صورتی واحد و کارکردی متعین ندارد، بلکه از آن حیث که تعریف واحدی ندارد نمی‌تواند مقوله‌ی همزاد اخلاق در نظر گرفته شود. با این حساب، اخلاق را باید چیزی در بیرون از سیاست در نظر گرفت. اما این فرض، چالش چگونگی تشکیل سیاست اخلاقی و یا اختلاط سیاست و اخلاق را حل نمی‌کند. برای این که اخلاق، حوزه و یا حتا بسته‌ی متعین و مشخص - همچون سیاست و یا فلسفه - نیست که امکان ادغام افق‌های اخلاقی و سیاسی از این منظر فراهم آید. محض نمونه، نمی‌توان این جمله را جمله‌ی معنادار دانست که شخصی می‌گوید: «من کار سیاسی، فلسفی یا ادبی نمی‌کنم، بلکه کار اخلاقی می‌کنم». چون با این تقریر، اخلاق تبدیل به مفهومی فاقد مصداق و سوژه‌ی مبهم می‌گردد. لذا، راه دیگری که باقی می‌ماند، این است: اخلاق نه حوزه‌ی پردازش مستقلی است و نه اساساً برای کار سیاسی، یک هدف؛ بلکه اخلاق یک رویکرد است، رویکردی همچون دیگر رویکردهای سیاسی: حقه‌بازانه، عوام‌فریبانه و از این قبیل... از این رو، سیاست اخلاقی چیزی جز اخلاق سیاسی نیست. یعنی رفتار و عمل کردی در حوزه‌ی عمومی که نسبت آن با سرنوشت عمومی طوری تعیین می‌گردد که این سرنوشت عمومی از لغزیدن رفتار و عمل به حیظه‌ی که سرنوشت عمومی با پیامد و نتیجه‌ی آن به تباهی کشانده می‌شود جلوگیری می‌کند. از این است که هنگامی که این وجه در نظر گرفته نشود و آن چیزی که رفتار را صورتی اخلاقی بخشیده بود دور انداخته شود، رفتار سیاسی اخلاق‌زدایی می‌گردد و یا اخلاق در رفتار سیاسی به تعلیق درمی‌آید.

چهل کلمه

سرخ سخی داد هاتفا

ضرب تجربه

می‌گویند بهترین تجربه استاد است. این سخن درستی است. ما تا در صنف ننشسته بودیم و ترسیدن در حضور استاد را تجربه نکرده بودیم، نمی‌دانستیم که... معذرت می‌خواهم از اتاق فرمان به من فرمان می‌دهند که جمله را درست بخوانم. می‌گویند بهترین استاد تجربه است. خوب، این هم سخن درستی است. آدم در اثر تجربه چیزهایی را در زنده‌گی یاد می‌گیرد که هیچ استادی قادر به آموزش آن‌ها نیست. اگر اعتراض نمی‌کنید، یا اگر اعتراض می‌کنید اما اعتراض خیابانی نمی‌کنید، یا اگر اعتراض می‌کنید و اعتراض خیابانی می‌کنید اما دکان‌های مردم را به آتش نمی‌کشید، من عرض مهمی داشتم:

به نظر من، حتا خود قادر متعال در اثر تجربه‌های طولانی و گوناگون بعضی روش‌های تازه را آموخته است. حتما به یاد دارید که قادر متعال وقتی حضرت آدم صفی را ساخت (چون آن زمان امکان نداشت آدم متولد شود)، چندین چیز را متوجه نبود. مثلاً چون قبلاً با آدمی سروکار نداشت، تجربه‌ی شناخت این موجود را هم نداشت. چه می‌دانست که بعدها آدم طغیان می‌کند و کار را به جاهای باریک می‌رساند. یا مثلاً وقتی از ابلیس خواست که پیش آدم سجده کند و ابلیس سجده نکرد، خورش به جوش آمد و شیطان را فوراً از درگاه خود راند. حالا یکی می‌گوید خداوند که از داشتن خون منزه است. قبول. ولی شما را ببین. برای ایشان درگاه و بارگاه قایل‌اید، ولی خوش را قبول ندارید. آ جان آ. به هر حال، سجده نکردن ابلیس در برابر آدم، که پسان معلوم شد چندان شخص درستی هم نیست، گناه یا خطای بسیار بزرگی نبود. ابلیس می‌گفت من سرم را پیش این مرتیکه خم نمی‌کنم. ولی خداوند متعال او را به خاطر همان خطای اندک طرد کرد. آن هم نه به‌طور موقت، الی ابد.

ولی تجربه چیز دیگری است. حالا که خداوند رسماً فرمان داده و سر خم کردن پیش پای انسان‌ها را ممنوع اعلان کرده، هر روز مردم به پابوسی انسان‌ها می‌روند و در وصف‌شان سخنان اغراق‌آمیز فراوان می‌گویند. چرا حالا خداوند با آن شدت سابق عمل نمی‌کند و این افراد را، که منع او را لغو می‌کنند، مجازات نمی‌کند؟ پاسخ این سوال در تجربه است. ایشان دیگر مثل سابق سخت نمی‌گیرد. می‌داند آدم‌پرستی بد است و در این باب منع هم صادر کرده، ولی تجربه به ایشان یاد داده که با آدمی زاده باید با احتیاط برخورد کند. موجود خطرناکی است (حتا اگر لاف مسلمانی بزند).

هر روز روزنامه اطلاعات روز را پشت در منزلتان در یافت کنید

Subscribe to Daily Etilaat Roz

6 Months

120\$ USD

Annual

200\$ USD

برای ادارات دولتی و شرکتها

۳۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۵۰۰۰ افغانی

یک ساله

برای متعلمین و محصلین

۲۰۰۰ افغانی

شش ماهه

۴۰۰۰ افغانی

یک ساله

zaki.daryabi2@gmail.com

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: ذکی دریابی

معاون مدیرمسئول: حمیرا رسا

سردبیر: خلیل پژواک

دبیر خبر: عصمت الله سروش

گزارشگر: الیاس نواندیش

ویراستار: عمران راتب

صفحه آرا: هادی دریابی

hussainjoya2014@gmail.com

بازاریاب: محمد حسین جویا ۰۷۶۷۱۵۲۰۶۲

dailyetilaatroz@gmail.com

ایمیل: zaki.daryabi2@gmail.com

آدرس: کابل، کارته سه، سرک شورا

شماره تماس: ۰۷۸۹۶۴۵۱۶۰

مسئول توزیع: روح الله مرادی ۰۷۷۶۹۴۰۴۵۴ / ۰۷۹۲۹۱۹۳۲۲

چاپ: مطبعه امام ۰۷۹۹۱۴۲۹۹۹

یادداشت: تنها یادداشت روز دیدگاه رسمی اطلاعات روز می‌باشد. مسئولیت سایر نوشته‌ها به نویسندگان آن بر می‌گردد.



بگو مگو [facebook](#)



Malek Sitez

پذیرش مسئولیت در برابر عمل کرد هراس افگنانه به چه معناست؟

در بسیاری از حملات هراس افگنانه، نهادها و یا شخصیت‌هایی هستند که مسئولیت اجرای این جنایات را به عهده می‌گیرند. هر طرفی که مسئولیت پذیرش عمل هراس افگنانه را می‌گیرد بر سه آسیب اجتماعی در برابر خدا، قانون و مردم پاسخ‌گو است:

۱. پذیرش مسئولیت در برابر «خون»

خونی که در هم‌چو عملیات‌های هراس افگنانه ریخته می‌شود، به‌منظور ترویج وحشت و رسیدن به‌هدف سیاسی این گروه‌ها طرح‌ریزی می‌گردد. از این‌رو خون‌بهای این عمل‌کرد، شگرف‌ترین پی‌گرد قانونی در پی دارد و غیر قابل بخشش شمرده می‌شود. هیچ دولتی حق ندارد که خون‌بهای شهروندان بی‌گناه را قربانی برنامه‌ها و یا معاملات سیاسی با این گروه‌ها و شخصیت‌های هراس افگن کند.

۲. پذیرش مسئولیت در برابر آسیب معنوی در جامعه

در نتیجه هر عمل‌کرد هراس افگنانه، معنویت و اخلاق جامعه به شدت آسیب می‌بینند. سازمان‌دهنده‌گان اعمال تروریستی مسئولیت آسیب معنوی یک جامعه را که در نتیجه کشتار افراد بی‌گناه بروز می‌کند، به عهده دارند. این نوع آسیب، گران‌ترین نوع غرامت از دید حقوقی را در پی دارد. پیامد این آسیب مدعش افسردگی روانی و روحی جامعه است که قربانیان بی‌شماری به‌بار می‌آورد.

۳. پذیرش مسئولیت در برابر آسیب مادی در جامعه

هراس افگنان آسیب‌های شدید اقتصادی به شهروندان و دولت به‌جا می‌گذارند. پذیرش این مسئولیت پی‌گرد شدید حقوقی از دید حقوق ملی و بین‌الملل دارد. هر گروه و یا شخصیتی که برای رسیدن به اهداف سیاسی خود منابع فردی، جمعی و دولتی (بیت‌المال) را صدمه می‌رساند، مکلف به بازپرداخت غرامت هم‌راه با جرایم (قوانین دولت‌ها اندازه غرامت مادی را به‌صورت جداگانه به بررسی می‌گیرد) می‌باشد.

پذیرش مسئولیت، کلان‌ترین پیامدی را به نهادها و شخصیت‌های سیاسی در بر دارد. از دید حقوقی، پذیرش مسئولیت باید بر بنیاد قوانین ملی و بین‌الملل و بنابر شواهد حقوقی که سبب این «مسئولیت پذیری» شده است مورد تدریس قرار گیرد. هیچ نهاد و یا فردی که مسئولیت اعمال جنایات ضد بشری و هراس افگنانه را به عهده گرفته است، از دید حقوقی نمی‌تواند برائت حاصل کند.

جنایت‌کاران زمانی می‌توانند از مسئولیت «مسئولیت‌پذیری جنایات ضد بشری» برائت حاصل کنند که:

۱. پوزش خواهی

از قربانیان خویشت رسماً عذرخواهی کرده و بازمانده‌گان قربانیان این عذرخواهی را رسماً پذیرفته باشند. دولت زمانی می‌تواند با آن‌ها داخل معامله شود که دادگاه قبول‌شده‌ی ملی و بین‌الملل «عفو رسمی» جنایت‌کاران را توسط بازمانده‌گان به رسمیت شناخته باشد.

۲. اعاده غرامات

هیچ گروه و شخصیتی نمی‌تواند از حالت «جنایت‌کار» به شخصیت «مستعد حقوقی» تبدیل شود تا زمانی که غرامات از آسیب مادی را به قربانیان تادیه نماید.

۳. به رسمیت شناسی جنایت

هر گروه و یا شخصیتی که مراحل پوزش خواهی، تسجیل رسمی پوزش خواهی، و اعاده غرامت مادی را برآورده کرد، باید جنایات متقبل شده به جامعه را به رسمیت شناخته و از تکرار هرگونه عمل مشابه در برابر دین، قانون و ملت تعهد بسپارد.

نتیجه:

گذار و کم‌بهدهی به این عناصر حقوقی رهبران دولت‌ها را شامل جنایت ضد بشری هراس افگنان می‌سازد. هر معامله با جنایت‌کاران جنگی و هراس افگنان، دولت را شامل جنایت بر ضد بشریت و شهروندان می‌سازد. در این صورت، قربانیان حق دارند تا با استفاده از سازوکارهای بین‌المللی دولت‌ها را به دادگاه‌های جهانی بکشانند.

در پی وقوع انفجار انتحاری در یک زیارتگاه صوفیان در پاکستان، دولت این کشور عملیات امنیتی گسترده‌یی را آغاز کرده است.

در این بمب‌گذاری بیش از ۷۰ نفر کشته و بیش از ۲۵۰ نفر هم مجروح شدند.

مقام‌های دولتی می‌گویند در عملیات امنیتی که در سرتاسر پاکستان در جریان است، دست کم ۲۵ پیکارجو کشته و ده‌ها تن از آنان نیز بازداشت شده‌اند.

مسیرهای منتهی به مرز افغانستان نیز بسته شده است.

ارتش پاکستان هم مقام‌هایی از سفارت افغانستان را احضار کرده و به این کشور در این مورد که پیکارجویان از خاک افغانستان به عنوان پایگاهی

برای حمله به پاکستان استفاده می‌کنند، اعتراض کرده است.

به دنبال حمله انتحاری ایالت سند پاکستان، مقام های نظامی پاکستان از دولت افغانستان خواسته اند تا ۷۶ تروریست پنهان شده در آن کشور را به پاکستان تحویل بدهد.

ژنرال آصف غفور، سخنگوی ارتش پاکستان در صفحه رسمی توئیتر خود نوشته که پاکستان خواستار اقدام فوری افغانستان در این زمینه است.

اما ارگ ریاست جمهوری افغانستان با نشر خبرنامه‌ای ضمن محکوم کردن حمله به زیارتگاه صوفی‌ها در ایالت سند پاکستان، گفته است که افغانستان سالهاست قربانی تروریسم بوده است. گروه موسوم به دولت اسلامی، داعش، مسئولیت

عروسک «جاسوس» را نخرید

پیش از این گفته بود حک شدن این عروسک در موارد استثنایی و به دست متخصصان انجام شده و برای همه امکان‌پذیر نیست. این شرکت البته گفته بود این موضوع را مد نظر قرار می‌دهد و اپلیکیشن بکار رفته در این عروسک را ارتقا خواهد داد.

اما متخصصان می‌گویند این نقص هنوز برطرف نشده است.

این عروسک از طریق اینترنت می‌تواند به سولهای کودکی که با او بازی می‌کنند پاسخ دهد، مثلاً اگر کودک بپرسد به بچه اسب چه می‌گویند، عروسک جواب خواهد داد کره اسب. برخی نهادهای حمایت از حقوق مصرف کنندگان در اتحادیه اروپا و آمریکا در این باره به دادگاه

یک نهاد نظارتی در آلمان به پدر و مادرها هشدار داده از خرید یک عروسک سخنگو به نام «دوست من کایلا» خودداری کنند چرا که فناوری به‌کاررفته در آن می‌تواند برای سرقت اطلاعات شخصی استفاده شود.

این هشدار را آژانس شبکه فدرال آلمان، نهاد ناظر بر مخابرات و ارتباطات این کشور داده است.

متخصصان می‌گویند هرکس می‌تواند از طریق بلوتوث نصب شده در این عروسک، به حرفهای کودکی که با آن بازی می‌کند گوش کند.

شرکت سازنده عروسک، جنسیس در این باره هنوز اظهار نظر نکرده است.

شرکت توزیع کننده این عروسک، ویوید توی،

ده‌ها پیکار جو در عملیات گسترده‌ی امنیتی در پاکستان بازداشت شدند

حمله روز پنج‌شنبه، ۲۸ بهمن، به زیارتگاه لعل شهباز قلندر در ایالت سند در جنوب پاکستان را بر عهده گرفت.

این بمب‌گذاری، تازه‌ترین مورد از رشته حملات مرگباری است که طی روه‌های اخیر در پاکستان رخ داده.

مراسم تشییع قربانیان این انفجار امروز، جمعه ۲۹ بهمن، برگزار می‌شود و دولت محلی سه روز عزای عمومی اعلام کرده است.

نواز شریف، نخست وزیر پاکستان این حمله را محکوم کرده و متعهد شده که با عاملان آن مقابله خواهد کرد. وی از مردم کشورش خواسته است اجازه ندهند بین آن‌ها تفرقه بیافتد.

(بی‌بی‌سی فارسی)

شکایت کرده‌اند.

طبق قانون آلمان فروش یا تملک وسایل و تجهیزات شنود و رصد غیرقانونی است و تخلف از این قانون تا دو سال زندان دارد.

هشدار در باره این عروسک پس از آن داده شد که اشتفان هاسل، دانشجوی دانشگاه سارلند اظهار نگرانی کرد که فناوری بکار رفته در این عروسک مشکل قانونی دارد.

او به یک وبسایت آلمانی گفت این عروسک از طریق بلوتوث می‌تواند به میکروفن و بلندگو وصل شود و از شعاع ده متری و از خلال چندین دیوار صدای کودکی را که با آن بازی می‌کند یا صدای محیط اطراف را شنود کند.

(بی‌بی‌سی فارسی)

مهم‌ترین موضوع کنفرانس امنیتی مونیخ: سیاست خارجی امریکا

گفت‌وگو‌هایی وجود دارد: جنگ داخلی سوریه، بحران اوکراین و آتش‌بس شکننده در این کشور، تنش‌های بین غرب و روسیه بر سر شبه‌جزیره کریمه و همچنین آینده اتحادیه اروپا.

علاوه بر مایک پنس، معاون رئیس جمهوری امریکا، جیمز ماتیس (وزیر دفاع) و جان کلی (وزیر امنیت داخلی) و همچنین سناتور جمهوری‌خواه جان مک کین و یکی از مخالفان دولت ترامپ در کنفرانس امنیتی مونیخ شرکت می‌کنند.

سرگئی لاوروف، وزیر خارجه روسیه، آنتونیو گوتیرش، دبیرکل سازمان ملل، بوریس جانسون، وزیر خارجه بریتانیا، آنگلا مرکل، صدر اعظم آلمان، پترو پروشونکو، رئیس جمهوری اوکراین، ویکتور اوربان، نخست‌وزیر مجارستان و حیدر عبادی، نخست‌وزیر عراق از دیگر شرکت‌کنندگان پنجاه و سومین کنفرانس امنیتی مونیخ‌اند.

۴۰۰۰ پلیس امنیت سران کشورهای شرکت‌کننده را به عهده گرفته‌اند. به شعاع چندین کیلومتر از محل برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ منطقه پرواز ممنوع اعلام شده، کانال‌های آب را پلمب و خیابان‌های منتهی به محل برگزاری اجلاس را نیز مسدود کرده‌اند.

کنفرانس امنیتی مونیخ، یکشنبه ۱۹ فوریه به کار خود پایان می‌دهد. (راديو زمانه)

گفت‌و گویی که پیش از برگزاری کنفرانس مونیخ با چهار روزنامه بزرگ اروپایی انجام داده بود، وضعیت جهان را با پیش از جنگ جهانی اول مقایسه کرده بود. گوترش نیز در کنفرانس امنیتی مونیخ حضور دارد.

در کنفرانس امنیتی مونیخ که به مدت سه روز برگزار می‌شود، مایک پنس، معاون رئیس جمهوری امریکا، روز شنبه، ۱۸ نوامبر رئوس سیاست خارجی امریکا را توضیح می‌دهد. انتظار می‌رود که معاون رئیس جمهوری امریکا و صدراعظم آلمان نیز در حاشیه کنفرانس امنیتی مونیخ با یکدیگر دیدار و گفت‌وگو کنند.

رویکرد تازه امریکا به تاتو، کشورهای عضو اتحادیه اروپا را متزلزل کرده است. چهارشنبه، ۱۵ فوریه، جیمز ماتیس، وزیر دفاع امریکا در اجلاس تاتو که در بروکسل برگزار شد، کشورهای عضو تاتو را تهدید کرد که اگر سهم بیشتری از بودجه تاتو را به عهده نگیرند، امریکا از پیمان آتلانتیک شمالی خارج می‌شود.

کنفرانس امنیتی مونیخ مهم‌ترین اجلاس امنیتی جهان به شمار می‌آید. اهمیت این اجلاس در این است که معمولاً در حاشیه نشست‌ها، وزاری خارجه و دفاع کشورهای مختلف جهان می‌توانند با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند. در سال جاری موضوعات زیادی برای چنین رایزنی‌ها و

در پرتو بحران‌های جهانی و جنگ‌های داخلی در خاورمیانه کنفرانس امنیتی مونیخ بعد از ظهر جمعه ۱۷ فوریه آغاز به کار می‌کند. وزاری خارجه و دفاع ۳۰ کشور جهان از جمله ایران در این اجلاس شرکت دارند.

رسانه‌های داخلی گزارش داده اند که محمد جواد ظریف، وزیر خارجه ایران برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ وارد آلمان شده است. برخلاف سال گذشته که توافق هسته‌ای ایران در کانون توجه مهم‌ترین اجلاس امنیتی جهان قرار داشت، این بار، در سال ۲۰۱۷ سیاست خارجی امریکا، یکپارچگی اتحادیه اروپا و ناتو مورد توجه است.

ولفگانگ ایشنیگر، رئیس کنفرانس امنیتی مونیخ به خبرگزاری آلمان گفته است: «ما در دورانی هستیم که حداکثر ناامنی وجود دارد».

او در آستانه برگزاری کنفرانس امنیتی مونیخ در گفت‌وگو با روزنامه ایندپندنت مهم‌ترین چالش‌ها را مشخص کرده بود: « همه‌پرسی درباره خروج انگلیس از اتحادیه اروپا (برکسیت) و انتخاب دونالد ترامپ به سمت ریاست جمهوری امریکا، نهادهای جهانی همچون اتحادیه اروپا، سازمان ملل، و ناتو را در وضعیت متزلزلی قرار داده است».

آنتونیو گوتیرش، دبیرکل سازمان ملل هم در

ارتش ترکیه روز جمعه ۱۷ فوریه / ۲۹ بهمن اعلام کرد که در حال به دست گرفتن کنترل کامل شهر الباب در شمال غرب سوریه است.

تصرف الباب به ترکیه این امکان را می‌دهد که نفوذ خود را در شمال سوریه تقویت کند.

به گزارش رویترز، ارتش ترکیه در بیانیه‌ای گفت: «عملیات ارتش به‌منظور در دست گرفتن کنترل کامل منطقه الباب به مرحله پایانی خود رسیده و مقاومت گروه تروریستی داعش به‌شکل وسیعی در هم شکسته است.»

دخالت نظامی ترکیه در خاک سوریه در ماه اوت ۲۰۱۶ و با نام عملیات «سپر فرات» در شمال سوریه آغاز شد. هدف از این عملیات از بین بردن تهدیدات گروه «دولت اسلامی» (داعش) در مرزهای ترکیه و هم‌زمان عقب راندن نیروهای شبه‌نظامیان کرد «یگان‌های مدافع خلق» (YPG) در شمال سوریه است.

ارتش سوریه در پیشروی خود در این عملیات از کمک شورشیان ارتش آزاد سوریه (ASL) بهره

می‌برد.

الباب در ۳۰ کیلومتری مرز ترکیه قرار دارد و آخرین سنگر داعش در استان حلب است. مقامات ترکیه می‌گویند پس از الباب هدف بعدی رقه، مقر اصلی داعش در سوریه خواهد بود.

به‌گفته آنکارا از این دو شهر عملیات مرگبار تروریستی ماه‌های اخیر در ترکیه برنامه‌ریزی شد، به‌ویژه حمله تروریستی به یک کلوب شبانه استانبول در جشن شب سال نو میلادی که ۳۹ کشته بر جای گذاشت.

رجب طیب اردوغان، رئیس جمهوری ترکیه در این هفته ابزار امیدواری کرد که ترک‌ها بتوانند در عملیات نظامی نیروهای ائتلاف به رهبری امریکا برای تصرف رقه و منبج شرکت کنند.

شهر منبج در شمال استان حلب و در مرز جنوبی ترکیه واقع است و جاده‌های اطراف آن پایگاه اصلی داعش و گذرگاه اصلی داعش به رقه به شمار می‌آید. کنترل این شهر در سال ۲۰۱۴ به دست داعش افتاد.

ترکیه: الباب تقریباً از دست داعش خارج شده است

در ماه اوت ۲۰۱۶ (مردادماه سال جاری) نیروهای دمکراتیک سوریه متشکل از نیروهای کرد، آشوری و عرب اعلام کردند که نیروهای داعش را به طور کامل از شهر منبج سوریه بیرون راندند و کنترل کامل این شهر را به دست گرفتند.

در مورد رقه نیز پیش از این نیروهای دمکراتیک سوریه با حمایت ائتلاف جهانی به‌رهبری امریکا در بازپس‌گیری این شهر شرکت داشتند. رقه همچنان در دست داعش است.

اردوغان ۱۲ فوریه / ۲۴ بهمن نیز گفته بود هدف نهایی، پاکسازی منطقه‌ای به وسعت پنج هزار کیلومتر مربع است.

ترکیه خواهان ایجاد یک «منطقه امن» برای غیرنظامیان در شمال غرب سوریه است؛ منطقه‌ای که نیروهای کرد یگان‌های مدافع خلق و داعش در آن حضور نداشته باشند. ترکیه می‌گوید این «منطقه امن» نیازمند ایجاد یک ناحیه پرواز ممنوع است.

(راديو زمانه)

پیام اینیستا برای هواداران بارسلونا

بارسلونا بازی رفت دور یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان را با ۴ گول در زمین پاری سن ژرمن واگذار کرد و حالا امیدی بسیار اندک برای صعود به یک چهارم دارند. حذف بارسا در این مرحله هم به تراز مالی این باشگاه ضربه خواهد زد و هم به شخصیت و اعتبار آبی‌ناری‌ها. اینیستا، کاپیتان بارسا پنج‌شنبه شب

فلورنتینو پرز در اندیشه خداحافظی با رئال

پرز دومین دوره ریاستش بر رئال مادرید را پشت سر می‌گذارد. او بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۶ رئیس رئال مادرید بود و از سال ۲۰۰۹ نیز یک بار دیگر بر این مستند تکیه زده است. رئال با او تاکنون فاتح سه لیگ قهرمانان و سه لالیگا شده است و تا سال گذشته، ثروتمندترین باشگاه دنیا لقب داشت. موندودپورتیوو دیروز گزارش داد که پرز قصد بازنشستگی و خداحافظی خود کناره‌گیری خواهد کرد.

کان: ضعیف تر از آرسنال ندیده بودم

اولیور کان، اسطوره باشگاه بایرن در ارزیابی خود از دیدار رفت بایرن و آرسنال که منجر به شکست سنگین آرسنال شد، گفت: «من فکر می‌کنم بازیکنان آرسنال دیگر ونگر را جدی نمی‌گیرند و اهمیتی به او نمی‌دهند. دیگر وقت آن رسیده است که ونگر به جدایی فکر کند و جدا شود. تیم ندیده بودم.»

یوگبا: تقابل با برادرم تجربه‌یی جادویی بود

پاول یوگبا و برادرش فلورنتینو یوگبا، برای اولین بار در دیدار حرفه‌یی پنج‌شنبه شب هفته گذشته در مرحله یک شانزدهم لیگ اروپا در تقابل منچستریونایتد - سنت اتین به مصاف یکدیگر رفتند. یونایتد با هت تریک زلاتان موفنق شد ۳-۰ حریف خود را شکست دهد ولی یوگبا مدعی شد که روبرو شدن با برادرش تجربه‌یی فوق‌العاده بود.



واکنش ژاوی به تحقیر شدن بارسا مقابل PSG

ژاوی، اسطوره‌ی باشگاه بارسلونا در واکنش به تحقیر بارسلونا مقابل پی‌اس‌جی گفت: «از نظر جدیت، ریتم بازی و توان فنی، تاکتیکی، فیزیکی و روانی پاری سن ژرمن بالاتر از بارسلونا بود. آن‌ها از همه نظر برتر بودند. پی‌اس‌جی لایق برد بود و یکی از بهترین بازی‌های تاریخش را داشت. بارسلونا تقریبا هیچ موقعیتی نداشت. تراپ شب آرامی را پشت سر گذاشت. پی‌اس‌جی خیلی جدی‌تر از بارسلونا بود و از نظر ریتم بازی خیلی بهتر بودند. تفاوت در همین جا بود نشده و حذف قطعی نیست.»

اطلاع‌رسانی

شنبه | ۳۰ دلو، ۱۳۹۵

سال ششم | شماره ۱۲۴۷

ساکی: <p>بارسلونا پادشاهی بود که مرد</p>
<p>بارسلونا سه‌شنبه شب هفته گذشته در پاریس، ۴-۰ مغلوب PSG شد تا در آستانه حذف از لیگ قهرمانان قرار بگیرد.</p> <p>اریگو ساکی مربی افسانه‌یی میلان در همین رابطه به گاترتا دلو اسپورت گفت: «بارسا پادشاهی بود که مُرد و دیگر بر فوتبال دنیا سلطه ندارد. البته چندی است که بارسا دیگر، آن تیم سازمان یافته و تهاجمی سابق نیست. بارسا شاید ۱۰ سال به دنیا درس فوتبال می‌داد ولی حالا رئال بهترین چانس برای جانشینی این تیم را دارد. البته تیم‌های دیگری هم هستند که چانس نشستن روی صندلی پادشاهی بارسا را دارند؛ مثل یوونتوس که معتمد با بازیکنان خوب و مربی با تجربه‌یی که دارد، امسال چانس زیادی برای رسیدن به فینال دارد.»</p> <p>مسی: «مسی قطعه‌یی از یک ماشین در حال افول است. من همیشه گفته‌ام که تیم و سبک و فلسفه یک باشگاه، بیش از خلاقیت‌های فردی یک یا دو بازیکن اهمیت دارند. مسی در صورتی که بارسا خوب کار نکند، تاثیرگذاری چندانی نخواهد داشت.»</p> <p>پیروزی ۳-۱ رئال بر ناپولی: «رئال واکنشی سریع، توام با عصبانیت به گول ناپولی نشان داد و عملا اجازه نداد ناپولی هیچ کاری انجام دهد. ناپولی نسبت به آنچه از این تیم دیده بودیم، فاصله زیادی داشت. به بازی مودریچ و کروس در میانه زمین که نگاه کنید، درخواهید یافت که چه طرح و برنامه‌یی پشت بازی رئال نهفته است. ناپولی برای جبران شکست در بازی برگشت، باید دست به کار بسیار بزرگی بزند.»</p>

اولین واکنش ونگر به احتمال اخراجش از آرسنال

آرسنال چهارشنبه شب هفته گذشته یک بار دیگر در زمین بایرن تحقیر شد و شکست سنگین ۵-۱ را تجربه کرد. این تیم دو فصل پیش نیز با همین نتیجه مغلوب مونیخ‌ها شده بود.

اعتراضات به آرسن ونگر پس از این شکست افزایش یافته و حالا بسیاری از هواداران آرسنال خواهان کنار رفتن ونگر در پایان فصل هستند. ونگر در واکنش به این مساله گفت: «مهم نیست چه اتفاقی بیفتد. من سال بعد هم مربیگری خواهم کرد؛ حالا چه در آرسنال و چه در تیمی دیگر. به این اعتراضات عادت کرده‌ام. ۲۰ سال است که مربی آرسنالم یعنی یک عمر. شغلی دارم که تبعات خاص خود را دارد و باید آن را بپذیرم. هر کسی می‌تواند در مورد من ابراز عقیده کند. اگر گفته بودم که در ماه مارچ و اپریل در مورد آینده‌ام حرف خواهم زد، به این خاطر بود که در مورد آن تردید داشتم. حالا هم نمی‌خواهم در مورد آینده‌ام حرف بزنم. آینده من، مهم است اما مهم‌تر از آرسنال نیست. باید روی آرسنال و مشکلات واقعی‌تر تمرکز کرد. من از شکست متفرم. من مسئولیت بزرگ و دشواری در آرسنال بر دوش دارم و باید قدرتمند باشم و از تجربیاتم برای خروج از بحران استفاده کنم.»

راموس امشب غایب است

راموس در جریان دیدار مقابل ناپولی دچار مصدومیت شده و دیروز نیز در تمرینات این تیم ظاهر نشد تا زیدان تصمیم نهایی خود در مورد حضور یا غیبت او مقابل اسپانول را اخذ کند. از سویی دیگر، گرت بیل در تمرینات کامل رئال بدون مشکل ظاهر شد و انتظار می‌رود که در لیست بازی امشب قرار گرفته و بازی کند. انزو زیدان، پسرزیدان نیز از تیم پایه رئال برای تمرین به تیم اصلی دعوت شده و دنیلو کوئترائو نیز به علت مصدومیت در تمرینات حضور نداشتند.

آلگری: هدف یوونتوس کسب سه‌گانه است

برد در اینگونه مسابقات است که می‌تواند شما را به سمت قهرمانی سوق دهد. پالرمو از زمان آمدن مربی جدیدش متحول شده و تیمی سازمان یافته‌تر است و ما مقابل این تیم، حق هیچ اشتباهی نداریم. هنوز ۱۴ بازی تا پایان لیگ باقی مانده و هر اتفاقی ممکن است رخ دهد. مقابل پالرمو باید بازی همیشه خودمان را ارائه دهیم و امیدوارم توپ‌های‌مان وارد دروازه شوند. باید از لحاظ فنی سریع و تهاجمی ظاهر شویم. هدف موقت ما پیروزی در بازی با پالرمو و هدف نهایی ما فتح همه جام‌های فصل است.»

هر کسی جای رییس بارسا بود، استعفا می‌داد!

بارسا از پاری سن ژرمن در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان و نیز عقب افتادن بارسا از رئال در لالیگا باعث شد تا لاپورتا انتقاد شدید دیگری به بارتومئو وارد کند. او در همین رابطه گفت: هر رئیسی جای او بود، عذرخواهی می‌کرد یا استعفا می‌داد و به زندگی‌اش می‌پرداخت؛ اما بارتومئو هیچ کدام از این کارها را انجام نداد و من در چند روز گذشته او را در هیچ جایی ندیدم. گروه جدید ریاست باشگاه در حال نابود کردن میراث بارسلونا هستند. آن‌ها فقط به منافع و تجارت خودشان می‌پردازند و به تیم توجهی ندارند. ماندن باشگاه دست این گروه بسیار خطرناک است.»

برایتنر: شیوه گواردیولا در سیتی کار نمی‌کند

شیوه بسیار خاصی برای بازی تیمش در نظر دارد. شیوه او در بارسا کار می‌کند؛ اینجا در بایرن کار کرد اما در منچسترسیتی کار نمی‌کند. البته فوتبال پرسرعت او و همه چیزهایی که او می‌خواست یا اینجا انجام داد، یا می‌خواست تیم نسبت به زمان یوپ هاینکس بهتر شود، به این معنا نیست که ما در اینجا به همه چیز رسیدیم.»

مربی محبوب هواداران بارسا برای جانشینی انریکه

هشتم نهایی قرار دارد. در نظرسنجی مارکا مشخص شد که ۳۷ درصد هواداران بارسا، علاقه‌مند به حضور خورخه سامپائولی، مربی ارجنتاینی حال حاضر سویا روی نیمکت تیم محبوب شان هستند و پس از او ارنستو والورده، مربی بلبائو با کسب ۱۵ درصد آراء، در رده دوم قرار گرفت. تنها ۹ درصد هواداران بارسا به ادامه ی حضور انریکه رای دادند.

زلاتان: من مثل ایندیانا جونز هستم!

هستند، هر کجا که رفتم توانستم پیروز شوم بنابراین اگر در منچستریونایتد هم بتوانم پیروز شوم، واقعا خوشحال می‌شوم. افرادی که مرا می‌شناسند می‌دانند که در باشگاه‌های زیادی بازی کردم و همیشه سعی کردم بهترین عملکردم را ارائه دهم. هر کجا که رفتم، قهرمان شدم. من شبیه ایندیانا جونز هستم (شخصیت اول فیلمی به همین نام از اسپیلبرگ!)

یووه در حال حاضر با ۷ امتیاز بیشتر از رم در صدر سری A قرار دارد و در کوپا ایتالیا هم راهی نیمه نهایی شده است. بیانکونری‌ها همچنین در یک هشتم نهایی لیگ قهرمانان نیز حاضر هستند و هفته آتی باید به مصاف پورتو بروند. بازی این هفته یووه با پالرمو، به همین دلیل یک روز زودتر و دی‌شب برگزار شد.

آلگری در نشست خبری این بازی گفت: «ما فقط باید روی بازی با پالرمو تمرکز کنیم و کاری به بازی هفته بعد با پورتو نداشته باشیم. دیدار با پالرمو، دیداری است که باید در آن پیروز شد و در واقع

خوان لاپورتا که بین سال‌های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۹ ریاست باشگاه بارسلونا را بر عهده داشت، معمولا از هر فرصتی برای انتقاد از ریاست فعلی باشگاه استفاده می‌کند. لاپورتا که تااستان ۲۰۱۵ در تلاش مجدد برای رسیدن به ریاست بارسلونا از جوزف بارتومئو شکست خورد، در چند سال اخیر بارها بارتومئو را زیر سوال برده است. از جنجال‌های پیش آمده در راه جذب نیمار و دادگاهی شدن‌های مختلف در همین زمینه گرفته تا انتقاد به عدم حمایت باشگاه بارسلونا از مسی در پرونده تخلف مالیاتی، سوزه‌های انتقادی لاپورتا از ریاست بارسلونا بوده است.

در این میان شکست سنگین ۴-۰

پل برایتنر، اسطوره فوتبال آلمان، معتقد است سبک بازی منحصر به فرد تیم‌های پپ گواردیولا در منچسترسیتی کارا نیست و در دوره حضورش در بایرن مونیخ هم چندان موثر نبود. ناکامی او در فتح لیگ قهرمانان با بایرن، به ویژه با توجه به کسب سه‌گانه توسط یوپ هاینکس، با انتقادهای زیادی روبرو شد. برایتنر به خبرنگاران گفت: «پپ

طی یک نظرسنجی صورت گرفته از سوی ویسایت نشریه مارکا مشخص شد که اغلب هواداران بارسا علاقه‌یی به ادامه حضور لوئیس انریکه روی نیمکت تیم محبوب شان ندارند.

بارسلونا در لالیگا با دو بازی بیشتر از رئال، یک امتیاز کمتر دارد و در رده دوم ایستاده و در لیگ قهرمانان نیز با شکست ۴-۰ از پاری سن ژرمن، در آستانه حذف در یک

نیکلسون تکرار کرد که حضور نظامی ایالات متحده در افغانستان به نفع «امنیت امریکا» است؛ استدلالی که در جهت مخالف ترامپ است.

مک کین از ایالت اریزونا نمایندگی می‌کند، جایی که صنایع نظامی ایالات متحده در آن قرار گرفته و نیکلسون یک وکیل مدافع جنگ افغانستان است. آن‌ها دو همتایی است که در عرش ساخته شده‌اند. نتیجه‌ی این نشست استماعی دو ساعته‌ی سنا، تکرار فشار مشابهی است که بارک اوباما را مجبور کرد از تعهدات انتخاباتی خود برای ختم جنگ در سال ۲۰۰۸ عقب‌نشینی و به‌جای آن موج فاجعه‌انگیز را انتخاب کند.

پنتاگن واقعاً از این‌که روسیه به شکل سیستماتیک روی تخته‌ی شطرنج حرکت می‌کند، آشفته است. نشست سه‌جانبه‌ی روسیه، چین و پاکستان در ماه دسامبر در مسکو، زمینه‌ی نشست شش‌جانبه‌ی منقوی را فراهم کرد. همزمان، مسکو در پشت صحنه تلاش سختی کرد تا کابل را روی این تخته بکشانند. دیدار صلاح‌الدین ربانی از مسکو در هفته‌ی گذشته دو کشور را کمک کرد تا نیت همدیگر را درک کنند و فکر خود را هماهنگ کنند.

اگر کسی می‌داند که دیپلماسی روسیه در این دوران خطرناک چگونه کار می‌کند، حرکت بعدی مسکو این خواهد بود که دست خود را برای تقویت رابطه‌ی صمیمانه میان کابل و اسلام‌آباد بلند خواهد کرد. در حقیقت در این کار بسیار حساس، «گرم» شدن روابط میان روسیه و پاکستان اهمیت دارد (پروژه‌ی گاز شمال-جنوب نفوذ روسیه را افزایش خواهد داد).

مطمئناً گفت‌وگوهای صلاح‌الدین ربانی با سرگی لاوروف وزیر امور خارجه‌ی روسیه زنگ هشدار را در پنتاگن بلند کرده است. در ظرف ۴۸ ساعت بعد از گفت‌وگوهای ربانی با لاوروف در مسکو، ترامپ به اشرف غنی رییس‌جمهور افغانستان تلفن کرد تا بر همکاری استراتژیک جاری میان امریکا و افغانستان و حمایت امریکا از رهبری حکومت در کابل تاکید کند.

در این‌جا یک ضرورت جدی برای دیدگاه منطقه‌ی وجود دارد که همه اذعان کنند این جنگ را که منجر به گسترش گروه‌های تروریستی بیشتری مانند دولت اسلامی (داعش) می‌شود، پایان دهند. موقف هند در کنفرانس مسکو مشخص بود. ویکاس سوارپ سخنگوی وزارت امور خارجه‌ی گفت: «هند یکی از بزرگترین شرکای افغانستان است و در برابر هر مشکلات و مهمتر از همه تروریسم در کنار آن ایستاده است. هند همیشه باورمند به همکاری نزدیک و سازنده برای صلح، ثبات و توسعه در افغانستان است. بدین‌منظور ما فعالانه در نشست‌های متعدد سه‌جانبه و چندجانبه شرکت کرده‌ایم. در این زمینه، ما خوشحالیم که دعوت روسیه در این نشست را پذیرفتیم». نشست مسکو یک فرصت بی‌نظیر برای بیان دیدگاه منطقه‌ی بی‌است. بگذارید مک کین، نیکلسون و شرکت‌های آن در یمن یا لیبیا و هر جای دیگر برود و منافع نامشروع خود را با آن‌ها به‌دست آورند.

کی از صلح در افغانستان می‌ترسد؟

نویسنده: ام، ک، بهادر اکومار / orientalreview

ترجمه: عرفان مهران



امریکا و ناتو می‌باشد. جنرال جان نیکلسون فرمانده ارشد نیروهای امریکایی در افغانستان براساس وظیفه‌ی خود با سخنرانی مناسب نقش خوبی بازی کرد.

پنتاگن واقعاً از این‌که روسیه به شکل سیستماتیک روی تخته‌ی شطرنج حرکت می‌کند، آشفته است. نشست سه‌جانبه‌ی روسیه، چین و پاکستان در ماه دسامبر در مسکو، زمینه‌ی نشست شش‌جانبه‌ی منقوی را فراهم کرد. همزمان، مسکو در پشت صحنه تلاش سختی کرد تا کابل را روی این تخته بکشانند. دیدار صلاح‌الدین ربانی از مسکو در هفته‌ی گذشته دو کشور را کمک کرد تا نیت همدیگر را درک کنند و فکر خود را هماهنگ کنند.

اگر کسی می‌داند که دیپلماسی روسیه در این دوران خطرناک چگونه کار می‌کند، حرکت بعدی مسکو این خواهد بود که دست خود را برای تقویت رابطه‌ی صمیمانه میان کابل و اسلام‌آباد بلند خواهد کرد. در حقیقت در این کار بسیار حساس، «گرم» شدن روابط میان روسیه و پاکستان اهمیت دارد (پروژه‌ی گاز شمال-جنوب نفوذ روسیه را افزایش خواهد داد).

کنفرانس شش کشور در مورد افغانستان- به‌شمول روسیه، چین، هند، ایران، افغانستان و پاکستان- به‌خاطری در مسکو برگزار شد که از قبل این کشور در مرکز توجه امریکا قرار داشت. یک گزارش صدای امریکا روسیه را متهم کرد که با این ابتکار به‌جای حل مشکلات منطقه‌ی، بیشتر علاقه‌مند است تا زیر پای امریکا را خالی کند. گزارش شکایت داشت که ایالات متحده و ناتو در این کنفرانس دعوت نشده است. با این حال تایید کرد که تحلیلگران منطقه‌ی «به پیشرفت در این زمینه با امیدواری بیشتر نگاه می‌کنند».

واشنگتن به‌شدت نگران «بازگشت» روسیه به افغانستان است. ایالات متحده می‌ترسد که روسیه با تسریع جنگ برای پایان قطعی آن و نابودی دولت اسلامی (داعش) از هندوکش و آسیای میانه، از افغانستان سوریه‌ی دیگری بسازد که البته دلیل بقا برای حضور نظامی بی‌پایان غرب در افغانستان را سلب خواهد کرد.

این موضوع همچنان به آینده‌ی «یورو-اتلانتیسیم» و ارتباط ناتو به‌منابه‌ی یک سازمان امنیتی، مرتبط است. بدیهی است که جنگ منافع گروهی زیادی را به‌وجود می‌آورد و جنگ ۱۵ ساله‌ی افغانستان-طولانی‌ترین جنگ تاریخ امریکا- منافع نامشروعی به‌شمول میلیاردها دلار به‌وجود آورده است. قراردادکنندگان جنگ امریکا و سیاست‌مدارانی که برای آن‌ها لابی‌گری می‌کنند، زمان خوشی را سپری می‌کنند. حالا مشخص شده است که پنتاگن میلیاردها دلار را برای معاش «سربازان خیالی» افغان مصرف کرده؛ کسانی که صرفاً نام‌شان در روی کاغذ وجود دارد.

به‌علاوه، یک مساله‌ی بزرگتر در رابطه‌ی ایالات متحده و روسیه وجود دارد. سازمان استخبارات امریکا و پنتاگن طرفدار ایده‌ی رییس‌جمهور دونالد ترامپ جهت بهبود روابط با روسیه نیستند. آن‌ها همچنین اندیشه‌ی ترامپ را که گفته بود ناتو «منسوخ» شده است، رد کردند. امر منطق‌ی برای ایالات متحده این خواهد بود که پیشنهاد دیرینه‌ی روسیه را برای همکاری جهت پایان رساندن موقفانه‌ی جنگ افغانستان بپذیرد. اما امریکایی‌ها کار مشترکی را با روسیه انجام نخواهند داد. آن‌ها ترجیح می‌دهند نبرد را در یک جنگ فراگیر به شیوه‌ی خود به پیش برند. البته، موضوع ژئوپولیتیک در میان می‌آید و به افغانستان یک موقعیت استراتژیک می‌دهد.

در عین حال، در نبرد گسترده میان اداره‌ی ترامپ و طرفداران جنگ سرد در واشنگتن- آخرین مورد داستان خروج غیرمترقبه‌ی مایکل فلین مشاور امنیت ملی امریکا- این نکته همچنان مهم است که تصویر یک «دشمن» از روسیه بسازد. با نگاه به‌همه‌ی این‌ها، سناتور جان مک کین نشست استماعی کمیته‌ی نیروهای مسلح مجلس سنا را (خودش ریاست این کمیته را دارد) پنج‌شنبه هفته‌ی گذشته در ارتباط با «بن‌بست» در جنگ افغانستان دایر کرد. آجندای واقعی این نشست به‌طور آشکار این بود که تاکید کنند روسیه در حال «مشروعیت‌بخشی» به طالبان و «ضربه زدن» به

داریانا افغان هوایی شرکت
ARIANA AFGHAN AIRLINES

تغییر در سیستم اخذ تکت آریانا

- مسافری محترم آریانا می‌توانند هر قدر که تکت های خود را از قبل خریداری نمایند، قیمت نازل تر را بدست آورند.
- سهولت انتخاب سیت برای مسافری محترم در هنگام خرید تکت ها بوجود آمده، که مسافری محترم می‌توانند هنگام خرید تکت ها، سیت های خویش را نیز انتخاب نموده و قید نمایند.
- شرکت های سیاحتی می‌توانند برای مسافری گروپی خود قیمت نازل تر را نسبت به قیمت اصلی در سیستم بدست بیاورند.